

بررسی وضعیت مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان و مدیران شهر کرمانشاه^۱

مرزبان ادیب منش^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان در دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان و مدیران شهر کرمانشاه انجام شده است. پژوهش ترکیبی و شامل دو بخش کیفی و کمی است، بخش اول پژوهش، کیفی و روش آن توصیفی و شامل؛ تحلیل اسنادی و نیز تحلیل محتوا با رویکرد کاربردی است. جامعه تحلیلی شامل متون و منابع مرتبط با حوزه مهارت‌های زندگی در دسترس بود که در این بین ۲۰ منبع داخلی شناسایی و مورد تحلیل قرار گرفتند. برای گردآوری اطلاعات از فهرست واری (چک لیست) مهارت‌های زندگی استفاده شده است و ابزارهای اندازه‌گیری، فرم فیش برداری و نیز سیاهه تحلیل محتوای محقق ساخته بود. در بخش دوم روش پژوهش کمی بود. جامعه آماری شامل کلیه معلمان و مدیران دوره ابتدایی مدارس دولتی در شهر کرمانشاه بود که از این بین ۱۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب گردید. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این بخش، پرسشنامه محقق ساخته بود. برای اطمینان از روایی صوری این پرسش‌نامه، چند تن از متخصصان علوم تربیتی آن را بررسی و پس از انجام برخی اصلاحات، مورد تایید قرار دادند. در ادامه روایی سازه پرسش‌نامه نیز مورد بررسی و تایید قرار گرفت. نتایج پژوهش حاکی از آن است که براساس منابع مورد مطالعه برای مهارت‌های زندگی در سه بخش دانش (۴ تم اصلی) در توانش (۱۱ تم اصلی) و نگرش (۷ تم اصلی) و در مجموع ۶۹ مقوله به دست آمد. همچنین نتایج نشان داد وضعیت موجود مهارت‌های زندگی در مقطع ابتدایی مناسب نیست.

واژه‌های کلیدی: دوره ابتدایی، مهارت‌های زندگی، دانش‌آموزان

۱. مقدمه

در بررسی های فرهنگی و تاریخی کشور ایران اهمیت دوره ابتدایی در شکوفایی استعدادها و توانمندی های دانش - آموزان کاملا مشهود است. در فرهنگ دینی کشور دوره ابتدایی به لحاظ رشد، تربیت و تکوین شخصیت کودکان دوره بسیار مهمی تلقی شده است. این دوره را دوره اطاعت، تأدیب، خلاقیت و بروز استعداد های عمومی هم گفته اند. این سطح از آموزش به نام های تعلیمات ابتدایی، تعلیمات اجباری، آموزش همگانی و آموزش عمومی خوانده شده است (شکوهی، ۱۳۹۷).

آموزش ابتدایی نقطه ورود برای یک حرکت طولانی و مهم یادگیری و دانش در زندگی کودکان است (گوداس و همکاران^۱، ۲۰۱۶). این دوره در تمامی نظام های آموزش و پرورش جهان مهمترین دوره تحصیلی به شمار می آید زیرا شکل گیری شخصیت و رشد همه جانبه فرد بیشتر در این دوره انجام می گیرد. از طرفی دوره ابتدایی، دوره آموزش مهارت های زندگی است. مهارتهایی از قبیل توانایی حل مساله، توانایی ارتباط موثر، توانایی ارتباط بین فردی، توانایی تصمیم گیری، توانایی تفکر انتقادی، توانایی خودآگاهی، توانایی مقابله با هیجانات، توانایی مقابله با استرس و امثال آن به عنوان مهارت های زندگی بسیار مهم و اساسی شمرده می شوند، این مهارت ها شامل مجموعه توانایی هایی هستند که زمینه سازگاری و رفتار مثبت و مفید را فراهم می آورند. این توانایی ها فرد را قادر می سازند تا مسئولیت نقش اجتماعی خود را بپذیرد و بدون لطمه زدن به خود و دیگران با درخواست ها، نیازها، انتظارات و مشکلات روزانه به ویژه در روابط بین فردی به شکلی موثر روبه رو شود (سیورز و جونز بلنک^۲، ۲۰۰۸).

با این اوصاف، بسیاری از دانش آموزان در رویارویی با مسائل زندگی فاقد مهارت ها و توانایی های لازم هستند و آموزش های سنتی و مرسوم در قالب یادگیری های درون مدرسه ای نتوانسته اند آنها را در حل مسائل زندگی یاری کنند (گیلک^۳، ۲۰۱۶). فقدان مهارت ها و توانایی های عاطفی، روانی و اجتماعی، افراد در مواجهه با مسائل و مشکلات آسیب پذیر نموده و آنها را در معرض اختلالات روانی، اجتماعی و رفتاری قرار می دهد. آموزش رسمی مهارت های زندگی به کودکان، نوجوانان و سایر افراد جامعه به دلیل اهمیت آنها مورد قبول قرار گرفته است و امروزه بخشی از برنامه های درسی سطوح گوناگون تحصیلی به آموزش این مهارت اختصاص یافته است (اشنایدر و زیمان^۴، ۲۰۱۸). در برخی از کشورها، آموزش مهارت های مذکور برای تربیت شهروندی یک ضرورت تلقی می شود. در اهداف کلان نظام تعلیم و تربیت کشور ایران به آموزش مهارت های زندگی به طور مستقیم یا غیرمستقیم تاکید شده است، با این وجود، این نوع آموزش در عمل چندان مورد توجه نبوده است. به هر حال، عدم کارایی برنامه های درسی دوره ابتدایی به عدم کارایی و اثربخشی دوره تحصیلی آموزش ابتدایی می انجامد. این امر سبب می

1 - Goudas et all

2 - Seevers & Jones- Blank

3. Gilak

4 - Schneider & Zimman

شود که دانش‌آموزان این مقطع، مهارت‌های لازم را در حیطه‌های مختلف فرا نگیرند و دانش و مهارت لازم برای ورود به جامعه را کسب ننمایند.

در ارتباط با موضوع مهارت‌های زندگی در نظام‌های آموزشی، پژوهش‌های مختلفی انجام شده است که در این پژوهش به چند نمونه که ارتباط بیشتری دارند، اشاره می‌شود.

روشنی (۱۳۹۵) در پژوهش خود به بررسی روان‌شناسی مدیریت نوین آموزشی " آموزش مهارت‌های زندگی" مدارس ابتدایی در جمهوری اسلامی ایران پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که معلمان بیش از اندازه متوسط معتقد به رشد مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان از طریق آموزش درس مهارت‌های زندگی در مقطع ابتدایی هستند. دیدگاه معلمان زن در مورد نقش این آموزش‌ها در زمینه رشد مهارت‌ها در دانش‌آموزان به نسبت دیدگاه معلمان مرد بهتر بود ولی از جنبه تحصیلات و سنوات خدمت اختلاف معنی‌داری مشاهده نگردید.

احدی و مظاهری (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان «اعتبار بخشی راهنمای برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی» انجام دادند. نتایج این پژوهش حاکی از ضرورت بازنگری در تعریف ارائه شده از آداب و مهارت‌های زندگی، مبانی نظری حاکم بر اصول برنامه، رویکرد حاکم بر برنامه، توجه به تفاوت‌های جنسیتی در برنامه و همچنین رعایت یک نقشه مفهومی مناسب برای سطوح ابتدایی تا متوسطه، توجه ویژه به صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان و الزامات اجرایی برنامه است. نکته حائز اهمیت اینکه متخصصان تأکید فراوانی بر غنی‌سازی برنامه‌های درسی مستقل و تلفیقی از نظر حوزه یادگیری آموزش آداب و مهارت‌های زندگی برای دانش‌آموزان داشتند. از جمله ویژگی‌های خاص و بومی این برنامه آنکه علاوه بر مهارت‌های زندگی که در نظام‌های آموزشی دنیا مطرح است، بحث آداب زندگی نیز با آن همراه شده است.

آلبرتین و همکاران^۱ (۲۰۱۴) در پژوهشی تحت عنوان «الگوهای قدرتمند کردن افراد از طریق برنامه مهارت‌های زندگی» مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن بود که آموزش مهارت‌های زندگی موجب افزایش نقش فعال در زندگی، مسئولیت‌پذیری در محیط شغلی، برنامه‌ریزی برای آینده و توانایی تفکر انتقادی می‌شود.

اشنایدر و زیمان^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان «نیاز به ارزیابی برنامه‌های آموزشی مهارت‌های زندگی در دانش‌آموزان آلمانی» مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن بود که دانش‌آموزان دارای سطح آگاهی متوسطی از مهارت‌های زندگی هستند.

با احتساب نتایج پژوهش‌های صورت گرفته و با توجه به انتظاری که در نظام تعلیم و تربیت در رابطه با پرورش همه‌جانبه‌قابلیت‌ها و توانایی انسان‌ها بکار می‌رود، توجه به مهارت‌های زندگی امری ضروری به نظر می‌رسد.

1 - Albertyn et all

2 -Schneider & Zimman

علاوه بر این دوره ابتدایی، دوره پایه ریزی ساختار - شخصیتی و رفتاری کودک، شکل گیری رشد عقلانی، اجتماعی و عاطفی و شخصیت آدمی و توسعه مهارت‌های بنیادی و حرکتی فرزند آدمی است. بر این اساس، آموزش مهارت‌های زندگی به دانش آموزان ابتدایی، باید در این دوره مورد توجه قرار گیرد. لذا پژوهش حاضر در نظر دارد ضمن بررسی مهارت‌های زندگی بر اساس منابع مرتبط به وضعیت موجود مهارت‌های زندگی در دانش آموزان دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان و مدیران شهر کرمانشاه بپردازد.

۱-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع ترکیبی است و شامل دو بخش کیفی و کمی است، بخش اول پژوهش، کیفی و روش آن توصیفی و شامل؛ تحلیل اسنادی و نیز تحلیل محتوا با رویکرد کاربردی است. جامعه تحلیلی در این بخش، شامل کلیه ی متون و منابع مرتبط با حوزه مهارت‌های زندگی بود. حجم نمونه هم شامل متون و منابع مرتبط با حوزه مهارت‌های زندگی در دسترس بود که در این بین ۲۰ منبع داخلی شناسایی و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. برای گردآوری اطلاعات از فهرست واری (چک لیست) مهارت‌های زندگی استفاده شده است و ابزارهای اندازه گیری، فرم فیش برداری و نیز سیاهه تحلیل محتوای محقق ساخته بود. در بخش دوم روش پژوهش کمی بود. جامعه آماری شامل کلیه معلمان و مدیران دوره ابتدایی مدارس دولتی در شهر کرمانشاه بود. برای تعیین حجم نمونه از جدول کرجسی و مورگان استفاده شد که حجم نمونه ۱۰۰ نفر به دست آمد. این ۱۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب گردید بدین شکل که ابتدا شهر کرمانشاه به چهار منطقه جغرافیایی تقسیم شد سپس به صورت تصادفی از داخل هر یک از این مناطق جغرافیایی ۵ مدرسه انتخاب شد. در مجموع ۲۰ مدرسه انتخاب گردید و در مرحله بعدی از هر مدرسه ۵ نفر به صورت تصادفی انتخاب و تعداد ۱۰۰ نفر به عنوان گروه اطلاع رسان انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها در این بخش، پرسشنامه محقق ساخته بود. برای اطمینان از روایی صوری این پرسش نامه، چند تن از متخصصان علوم تربیتی آن را بررسی و پس از انجام برخی اصلاحات، مورد تایید قرار دادند. در ادامه روایی سازه پرسش نامه نیز مورد بررسی قرار گرفت. ضریب پایایی ابزار تحقیق نیز محاسبه گردید که مقدار ۰/۸۲۳ بدست آمد در این بخش از آزمون‌های آماری استنباطی به مانند آزمون‌های t مستقل و تحلیل واریانس (به منظور مقایسه بین میانگین دیدگاه‌های شرکت کنندگان در متغیرهای مورد بررسی)، آزمون فریدمن (به منظور رتبه بندی گویه‌ها در هر حیطة)، و ... بهره گرفته شد.

۲. یافته‌های پژوهش

۱- مهارت‌های زندگی در دانش آموزان دوره ابتدایی براساس منابع مرتبط کدامند؟

در تحلیل محتوای متون در زمینه مهارت‌های زندگی، منابع به طور دقیق مورد بررسی و کند و کاو قرار گرفت و در مجموع ۱۲۴ کد استخراج شد. بعد از تحلیل محتوا بر روی کدهای حاصل، و ترکیب کدهای تکراری در یک

منبع با یکدیگر، در مرحله دوم، ۸۹ کد، و در مرحله سوم، ۶۹ کد به دست آمد. با تحلیل محتوای صورت گرفته بر روی این کدها و ادغام کدهای مشابه در یکدیگر، مقوله‌ها استخراج شده و این مقوله‌ها در سه زمینه اصلی (دانش، نگرش و مهارت) جای گرفتند. در جدول ۱، نتایج حاصل از تحلیل محتوای کیفی بر روی منابع در زمینه مهارت‌های زندگی ذکر شده است.

جدول ۱: تحلیل محتوای کیفی منابع در زمینه وضعیت موجود مهارت‌های زندگی در دوره ابتدایی

زمینه اصلی	مقوله	کدها
دانش	۱-خلاقیت، ۲- تفکر انتقادی؛ ۳- شناخت استلزامات انجام حرفه های مختلف ۴- جستجوی دانش جدید	تفکر خلاق (۱، ۳، ۵، ۶، ۲۰)؛ تدارک ابزار تفکر (۲)؛ انتقال میراث فرهنگی (۲، ۱۷)؛ گشودگی ذهن (۱۷، ۴، ۱۰)؛ انسان آگاه (۲)؛ تفکر انتقادی (۳، ۵، ۶، ۱۷)؛ استدلال (۷، ۹)؛ دانش مورد نیاز حرفه های مختلف (۱۶)؛ آگاهی از چگونگی تفکر (۱۷)؛ جستجوی اطلاعات جدید (۱۰)؛ سؤال کردن مناسب (۱۷)؛ بررسی دقیق منابع اصلی افکار و عقاید و ارزیابی آنها (۱۵)؛ تشخیص درست از نادرست (۱۴)
نگرش	۱-مسئولیت پذیری، ۲- خودآگاهی، ۳- همدلی، ۴-هدفمندی، ۵- سعه صدر، ۶- ارج گذاری مفاخر ۷- انتقادپذیری، ۸- کنترل فشارهای روحی	خودآگاهی (۱، ۳، ۵، ۲۰)؛ همدلی (۱، ۳، ۵، ۶، ۷، ۱۹)؛ انسان آزاد (۲)؛ مسئولیت پذیری (۲۰، ۵، ۱۷)؛ شناخت خود (۲، ۶)؛ شناخت دیگران (۲)؛ عزت نفس (۴، ۲۰، ۵)؛ خودکارآمدی (۴)؛ اعتماد به نفس (۵، ۱۱)؛ پذیرش آرای دیگران (۷، ۱۷)؛ ارایه واکنش مناسب به بحران های زندگی (۷)؛ التزام به مسئولیت های فردی (۹)؛ التزام به مسئولیت های اجتماعی (۹)؛ هدفمند بودن (۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷)؛ هویت یابی (۳، ۱۴، ۲۰، ۱۵، ۱۶)؛ ابراز وجود (۱۹)؛ احترام به افراد (۱۷)؛ ارزشمند شمردن مفاخر (۱۰)؛ لذت بردن از زندگی (۱۱)؛ انتقاد پذیرفتن (۱۶)؛ کنترل فشارهای روحی (۱۷)؛ مقابله با هیجان (۱، ۳، ۵)؛ مقابله با استرس (۱، ۳، ۵، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳)؛ مقابله با ناکامی (۱۷)

منابع	<p>۱- مهارت‌های ارتباط انسانی، ۲- توانایی حل مساله، ۳- توانایی تصمیم‌گیری، ۴- مهارت‌های اجتماعی، ۵- یادگیری نحوه یادگیری، ۶- رعایت بهداشت فردی و اجتماعی، ۷- استفاده از فناوری اطلاعات، ۸- شهروند جهانی شدن، ۹- خودارزشیابی، ۱۰- نظم و انضباط فردی و اجتماعی، ۱۱- برنامه ریزی</p>
منابع مورد تحلیل	<p>نویسندگان منابع مورد تحلیل</p> <p>۱- جوادی پور و همکاران (۱۳۹۳)؛ ۲- بندک (۱۳۹۳)؛ ۳- احدی و همکاران (۱۳۹۱)؛ ۴- لواسانی (۱۳۸۳)؛ ۵- نیک پور (۱۳۸۳)؛ ۶- فرزام نیا (۱۳۸۱)؛ ۷- ادیب (۱۳۸۹)؛ ۸- نیاز آذری (۱۳۸۲)؛ ۹- آلبرتی (۲۰۱۴)؛ ۱۰- بیلی (۲۰۱۷)؛ ۱۱- جنینگ (۲۰۱۰)؛ ۱۲- آقاجانی (۱۳۸۱)؛ ۱۳- کاکاچویباری و همکاران (۱۳۸۲)؛ ۱۴- اورکین (۲۰۱۶)؛ ۱۵- گیلک (۲۰۱۶)؛ ۱۶- روشنی (۱۳۹۵)؛ ۱۷- ادیب (۱۳۸۸)؛ ۱۸- مایلس (۲۰۱۴)؛ ۱۹- سبزواری و لیاقتدار (۱۳۹۴)؛ ۲۰- سند برنامه درسی ملی</p>

همانطوری که در جدول ۱ مشاهده می‌گردد، مولفه‌های مهارت‌های زندگی در دوره ابتدایی بر اساس کدها و مقوله‌ها ذکر شده است. مقوله‌ها در سه دسته که محقق آنها را با عنوان سه زمینه اصلی دانش، نگرش و توانش نام گذاری نموده است آورده شده است. کدها نیز حاصل تحلیل محتوای انجام گرفته بر روی گزاره‌ها در منابع می‌باشند. در تحلیل محتوا بر روی کدها، کدهای تکراری که موارد زیادی را در هر منبع به خود اختصاص می‌دادند با یکدیگر

ترکیب شده و با عنوان یک کد کلی‌تر و نماینده آن منبع ذکر شده‌اند. در تعیین مقوله‌ها نیز، چند کد با یکدیگر ترکیب و به عنوان یک مقوله شناسایی شدند (لازم به ذکر است که در این راستا، یک کد که ممکن است کلی‌تر از بقیه باشد به عنوان مقوله مورد توجه قرار گرفت). منابعی که کدها از آن مستخرج شده‌اند، با ذکر شماره (۱ تا ۲۰) برای هر کد مشخص شده است.

۲- وضعیت موجود مهارت‌های زندگی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی چگونه است؟

برای پاسخگویی به این سوال، پرسشنامه طراحی شده در اختیار معلمان و مدیرانی که به عنوان گروه اطلاع‌رسان پژوهش انتخاب شده بودند قرار گرفت. نتایج ذیل داده‌های به دست آمده از این فرایند است که در ادامه اشاره می‌شود. حیطه دانش از ۴ سوال تشکیل شده است که خلاصه آن، به همراه پاسخ‌های داده شده از دیدگاه شرکت‌کنندگان در جدول ۲ ارایه گردیده است.

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌های مربوط به حیطه دانش از نظر شرکت‌کنندگان

میانگین	بسیار ضعیف	ضعیف	متوسط	خوب	بسیار خوب	طیف سوال‌ها	
						۱	۲
۲/۶۰	۲۰*	۳۵	۲۰	۱۵	۱۰	خلاقیت	۱
	۲۰	۳۵	۲۰	۱۵	۱۰		
۲/۵۶	۲۴	۳۳	۱۸	۱۳	۱۲	تفکر انتقادی	۲
	۲۴	۳۳	۱۸	۱۳	۱۲		
۲/۷۰	۲۰	۳۰	۲۳	۱۴	۱۳	شناخت استلزامات انجام حرفه‌های مختلف	۳
	۲۰	۳۰	۲۳	۱۴	۱۳		
۲/۴۲	۳۰	۲۹	۱۹	۱۳	۹	جستجوی دانش جدید	۴
	۳۰	۲۹	۱۹	۱۳	۹		
۲/۵۷						مجموع	

جدول ۲ وضعیت گویه‌های مربوط به حیطه دانش را از دیدگاه شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد. بر طبق یافته‌های جدول، بالاترین مقدار میانگین مربوط به گویه شماره ۳ «شناخت استلزامات انجام حرفه‌های مختلف» با میانگین ۲/۷۰، و پایین‌ترین میانگین مربوط به سوال شماره ۴ «جستجوی دانش جدید» با میانگین ۲/۴۲ می‌باشد. بر اساس

* عدد اول مندرج در هر ستون نماینده فراوانی و عدد دوم نشانگر درصد پاسخ‌دهندگان است.

دانش	۲/۵۷	۱/۲۶	۳/۱	۹۹	-۴/۱۸	/۰۰۰
بر اساس						۰

جدول ۴-۴، در حیطه دانش در وضعیت موجود، مقدار t مشاهده شده کوچکتر از مقدار t بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد و با درجه آزادی ۹۹ می‌باشد. با آزمون انجام شده، H_0 رد می‌شود و در نتیجه میانگین جامعه پایین‌تر از ۳/۱ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که وضعیت حاضر حیطه دانش در مهارت‌های زندگی دوره ابتدایی از مطلوبیت برخوردار نیست.

نگرش

حیطه نگرش از ۸ سوال تشکیل شده است که خلاصه آن، به همراه پاسخ‌های داده شده از دیدگاه شرکت‌کنندگان در جدول ۵ ارایه گردیده است.

جدول ۵: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌های مربوط به حیطه نگرش از نظر شرکت‌کنندگان

تایف سوال‌ها	میانگین	پاسخ صحیح	میانگین	متوسط	پاسخ صحیح	میانگین
۱ مسئولیت‌پذیری	۲/۹۰	۱۸	۲۰	۳۰	۱۸	۱۴
		۱۸	۲۰	۳۰	۱۸	۱۴
۲ خودآگاهی	۲/۸۰	۱۶	۲۸	۲۸	۱۶	۱۲
		۱۶	۲۸	۲۸	۱۶	۱۲
۳ همدلی	۲/۶۱	۲۴	۲۶	۲۵	۱۵	۱۰
		۲۴	۲۶	۲۵	۱۵	۱۰
۴ هدفمندی	۲/۸۰	۲۰	۲۳	۲۶	۱۹	۱۲
		۲۰	۲۳	۲۶	۱۹	۱۲
۵ سعه صدر	۲/۵۵	۲۷	۲۹	۱۶	۱۸	۱۰
		۲۷	۲۹	۱۶	۱۸	۱۰
۶ ارج‌گذاری مفاخر	۲/۶۱	۲۸	۲۳	۲۱	۱۶	۱۲
		۲۸	۲۳	۲۱	۱۶	۱۲
۷ انتقادپذیری	۲/۶۳	۲۱	۳۱	۲۲	۱۶	۱۰
		۲۱	۳۱	۲۲	۱۶	۱۰

۲/۸۴	۱۶	۲۹	۲۵	۱۵	۱۵	کنترل فشارهای	۸
	۱۶	۲۹	۲۵	۱۵	۱۵	روحي	
۲/۷۲						مجموع	

جدول ۴ وضعیت گویه‌های مربوط به حیطه نگرش را از دیدگاه شرکت کنندگان نشان می‌دهد. بر طبق یافته‌های جدول، بالاترین مقدار میانگین مربوط به گویه شماره ۱ «مسئولیت پذیری» با میانگین ۲/۹۰، و پایین‌ترین میانگین مربوط به سوال شماره ۵ «سعه صدر» با میانگین ۲/۵۵ می‌باشد. بر اساس این نتایج، می‌توان گفت که شرکت کنندگان در حیطه نگرش، بیشترین توجه را به گویه شماره ۱ و کمترین اهمیت را به گویه شماره ۵ دارند. میانگین کل حیطه ۲/۷۲ می‌باشد.

به منظور بررسی وضعیت این عامل‌ها نسبت به یکدیگر و به لحاظ تعیین اولویت و رتبه‌بندی این عامل‌ها در حیطه نگرش از دیدگاه شرکت کنندگان، از آزمون فریدمن استفاده شده است که نتایج این آزمون در جدول ۵ ارایه شده است.

جدول ۶: نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی حیطه نگرش از دیدگاه شرکت کنندگان (n=۱۰۰)

رتبه	گویه‌های حیطه نگرش	میانگین رتبه به ترتیب اولویت	خی دو
۱	مسئولیت پذیری	۵/۲۲	*۱۲۸/۸۵
۲	کنترل فشارهای روحی	۴/۹۸	
۳	خودآگاهی	۴/۸۲	
۳	هدفمندی	۴/۸۲	
۴	انتقادپذیری	۴/۱۸	
۵	همدلی	۴/۰۷	
۵	ارج گذاری مفاخر	۴/۰۷	
۶	سعه صدر	۳/۸۲	
*p<0.05			

بر طبق یافته‌های جدول ۶، که رتبه‌بندی شاخص‌های حیطه نگرش از دیدگاه شرکت کنندگان را نشان می‌دهد، نتیجه آزمون فریدمن (که برای بررسی معناداری رتبه بندی در این آزمون از آماره خی دو استفاده می‌شود) با آماره ۱۲۸/۸۵ در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است (p<۰/۰۱). بر اساس نتایج حاصل شده، گویه «مسئولیت پذیری» با میانگین رتبه ۵/۲۲ و میانگین ۲/۹۰ به عنوان عامل اول شناسایی شد و عامل «سعه صدر» در رتبه آخر قرار گرفته است. بر اساس این نتایج، می‌توان گفت که گویه «مسئولیت پذیری» از بیشترین اولویت و گویه «سعه صدر»

از کمترین اولویت در زمینه نگرش، از دیدگاه شرکت کنندگان برخوردار بوده است. گویه های «خودآگاهی» و «هدفمندی» به طور مشترک در رتبه سوم و همچنین گویه های «همدلی» و «ارج گذاری مفاخر» به طور مشترک در رتبه پنجم جای گرفته اند.

همچنین، از آزمون t تک نمونه برای مقایسه میانگین نمره حیطه نگرش با معیار فرضی تعیین شده برای تعیین میزان مطلوبیت استفاده گردیده است. قابل ذکر است که در پژوهش حاضر، با توجه به نمایش بصری داده ها و پراکندگی میانگین، میانگین ۳/۱ به عنوان مطلوبیت در حیطه نگرش تعیین شده، که عدد بالاتر از آن به عنوان مطلوب بودن مورد نظر قرار گرفته است.

جدول ۷: آزمون مقایسه میانگین نمره نگرش با معیار فرضی تعیین شده (t تک نمونه)

متغیر	شاخص آماری	میانگین متغیر	انحراف استاندارد	میانگین فرضی	درجه آزادی	مقدار t	Sig
نگرش		۲/۷۲	۱/۲۷	۳/۱	۹۹	-۳/۰۱	۰/۰۰۳

بر اساس جدول ۷، در حیطه نگرش، مقدار t مشاهده شده کوچکتر از مقدار t بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد و با درجه آزادی ۹۹ می باشد. با آزمون انجام شده، H_0 رد می شود و در نتیجه میانگین جامعه پایین تر از ۳/۱ می باشد. بنابراین می توان گفت وضعیت موجود حیطه نگرش در مهارت‌های زندگی دوره ابتدایی از مطلوبیت برخوردار نیست.

توانش

حیطه توانش از ۱۱ سوال تشکیل شده است که خلاصه آن، به همراه پاسخ‌های داده شده از دیدگاه شرکت کنندگان در جدول ۸ ارایه گردیده است.

جدول ۸: توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌های مربوط به حیطه توانش از نظر شرکت کنندگان

تایف سوال‌ها	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	میانگین
۱ مهارت‌های ارتباط انسانی	۱۳	۱۴	۲۶	۲۷	۲۰	۲/۷۳
	۱۳	۱۴	۲۶	۲۷	۲۰	
۲ توانایی حل مساله	۱۲	۱۶	۲۴	۲۸	۲۰	۲/۷۲
	۱۲	۱۶	۲۴	۲۸	۲۰	
۳ توانایی تصمیم گیری	۱۶	۱۸	۲۶	۲۱	۱۹	۲/۹۱
	۱۶	۱۸	۲۶	۲۱	۱۹	

	۱۹	۲۱	۲۶	۱۸	۱۶		
۴	مهارت‌های اجتماعی	۱۷	۱۹	۲۷	۲۲	۱۵	۳/۰۱
۵	یادگیری نحوه یادگیری	۱۴	۱۸	۱۶	۲۸	۲۴	۲/۷۰
۶	رعایت بهداشت فردی و اجتماعی	۱۷	۲۵	۲۵	۲۳	۱۰	۳/۱۶
۷	استفاده از فناوری اطلاعات	۱۲	۱۸	۲۰	۲۸	۲۲	۲/۷۰
۸	شهروند جهانی شدن	۱۲	۱۵	۱۸	۲۹	۲۶	۲/۵۸
۹	خود ارزشیابی	۱۳	۱۷	۱۸	۲۵	۲۷	۲/۶۴
۱۰	نظم و انضباط فردی و اجتماعی	۱۶	۲۰	۲۹	۲۸	۷	۳/۱۰
۱۱	برنامه ریزی	۱۴	۱۶	۲۱	۲۹	۲۰	۲/۷۵
	مجموع						۲/۸۲

جدول ۸ وضعیت گویه‌های مربوط به حیطه توانش را از دیدگاه شرکت کنندگان نشان می‌دهد. بر طبق یافته‌های جدول، بالاترین مقدار میانگین مربوط به گویه شماره ۶ «رعایت بهداشت فردی و اجتماعی» با میانگین ۳/۱۶، و پایین‌ترین میانگین مربوط به سوال شماره ۸ «شهروند جهانی شدن» با میانگین ۲/۵۸ می‌باشد. بر اساس این نتایج، می‌توان گفت که شرکت کنندگان در حیطه توانش، بیشترین توجه را به گویه شماره ۶ و کمترین اهمیت را به گویه شماره ۸ دارند. میانگین کل حیطه ۲/۸۲ می‌باشد.

به منظور بررسی وضعیت این عامل‌ها نسبت به یکدیگر و به لحاظ تعیین اولویت و رتبه‌بندی این عامل‌ها در حیطه توانش از دیدگاه شرکت کنندگان، از آزمون فریدمن استفاده شده است که نتایج این آزمون در جدول ۸ ارایه شده است.

جدول ۹: نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی حیطه توانش از دیدگاه شرکت کنندگان ($n=100$)

رتبه	گویه‌های حیطه توانش	میانگین رتبه به ترتیب اولویت	خی دو
------	---------------------	------------------------------	-------

*۲۲۲/۱۹ Sig: 0.001	۷/۷۸	رعایت بهداشت فردی و اجتماعی	۱
	۷/۴۶	نظم و انضباط فردی و اجتماعی	۲
	۶/۹۸	مهارت‌های اجتماعی	۳
	۶/۴۵	توانایی تصمیم‌گیری	۴
	۵/۷۶	برنامه ریزی	۵
	۵/۶۲	مهارت‌های ارتباط انسانی	۶
	۵/۶۰	توانایی حل مساله	۷
	۵/۳۷	یادگیری نحوه یادگیری	۸
	۵/۳۷	استفاده از فناوری اطلاعات	۸
	۵/۰۳	خود ارزشیابی	۹
۴/۷۱	شهروند جهانی شدن	۱۰	
*p<0.05			

بر طبق یافته‌های جدول ۹، که رتبه‌بندی شاخص‌های حیطة توانش از دیدگاه شرکت‌کنندگان را نشان می‌دهد، نتیجه آزمون فریدمن (که برای بررسی معناداری رتبه بندی در این آزمون از آماره خی دو استفاده می‌شود) با آماره ۲۲۲/۱۹ در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است ($p < 0/01$). بر اساس نتایج حاصل شده، گویه «رعایت بهداشت فردی و اجتماعی» با میانگین رتبه ۷/۷۸ و میانگین ۳/۱۶ به عنوان عامل اول شناسایی شد و عامل «شهروند جهانی شدن» در رتبه آخر قرار گرفته است. بر اساس این نتایج، می‌توان گفت که گویه «رعایت بهداشت فردی و اجتماعی» از بیشترین اولویت و گویه «شهروند جهانی شدن» از کمترین اولویت در زمینه توانش، از دیدگاه شرکت‌کنندگان برخوردار بوده است. گویه‌های «یادگیری نحوه یادگیری» و «استفاده از فناوری اطلاعات» به طور مشترک در رتبه هشتم جای گرفته‌اند.

همچنین، از آزمون t تک نمونه برای مقایسه میانگین نمره حیطة توانش با معیار فرضی تعیین شده برای تعیین میزان مطلوبیت استفاده گردیده است. قابل ذکر است که در پژوهش حاضر، میانگین ۳/۱ به عنوان مطلوبیت تعیین شده، که عدد بالاتر از آن به عنوان مطلوب بودن مورد نظر قرار گرفته است.

جدول ۱۰: آزمون مقایسه میانگین نمره حیطة توانش با معیار فرضی تعیین شده (t تک نمونه)

متغیر	شاخص آماری	میانگین متغیر	انحراف استاندارد	میانگین فرضی	درجه آزادی	مقدار t	Sig

توانش	۲/۸۲	۱/۲۳	۴	۲۹۹	-۲/۲۸	/۰۲۴
-------	------	------	---	-----	-------	------

بر اساس جدول ۱۰-۴، در حیطه توانش، مقدار t مشاهده شده کوچک تر از مقدار t بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد و با درجه آزادی ۹۹ می باشد. با آزمون انجام شده، H_0 رد می شود و در نتیجه میانگین جامعه پایین تر از ۳/۱ می باشد. بنابراین می توان گفت که وضعیت حاضر حیطه توانش در مهارت‌های زندگی دوره ابتدایی از مطلوبیت برخوردار نیست.

۳. بحث و نتیجه گیری

آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد تربیتی و آموزشی، از ارکان مهم توسعه و پیشرفت جوامع بشری است. به طوری که یک بخش اصلی زندگی در دنیای امروز محسوب می شود و در طی قرن‌های گذر عمر آموزش و پرورش، این ضرورت بیشتر شده و بر مبنایی بودن آن تأکید شده است. در این راستا، آموزش ابتدایی به سبب زیربنایی و پایه‌ای بودن، نقشی مبنایی در تعلیم و تربیت و به تبع آن در زندگی انسان برعهده دارد و در واقع اولین سنگ بنای سازندگی شخصیت کودکان و نهایتاً سازندگی جامعه، در همین سال‌های اولیه دوران ابتدایی گذاشته می شود. با احتساب این اهمیت، پژوهش حاضر به بررسی وضعیت مهارت‌های زندگی در دوره ابتدایی پرداخته است.

برای پاسخگویی به سوال اول مبنی بر شناسایی مهارت‌های زندگی در دانش آموزان دوره ابتدایی، تحلیل محتوا منابع مرتبط با مهارت‌های زندگی انجام شد و در مجموع ۱۲۴ کد استخراج شد. بعد از تحلیل محتوا بر روی کدهای حاصل، و ترکیب کدهای تکراری در یک منبع با یکدیگر، در نهایت ۶۹ کد به دست آمد. با تحلیل محتوای صورت گرفته بر روی این کدها و ادغام کدهای مشابه در یکدیگر، مقوله‌ها استخراج شده و این مقوله‌ها در سه زمینه اصلی (دانش، نگرش و مهارت) جای گرفتند. مقوله‌ها در سه دسته که محقق آنها را با عنوان سه زمینه اصلی دانش، نگرش و توانش نام گذاری نموده است آورده شده است. کدها نیز حاصل تحلیل محتوای انجام گرفته بر روی گزاره‌ها در منابع می‌باشند. در تحلیل محتوا بر روی کدها، کدهای تکراری که موارد زیادی را در هر منبع به خود اختصاص می‌دادند با یکدیگر ترکیب شده و با عنوان یک کد کلی تر و نماینده آن منبع ذکر شده‌اند. در تعیین مقوله‌ها نیز، چند کد با یکدیگر ترکیب و به عنوان یک مقوله شناسایی شدند. و در نهایت این تم‌های اصلی بدست آمد: در زمینه دانش ۴ تم اصلی (۱-خلاقیت، ۲- تفکر انتقادی؛ ۳- شناخت استلزامات انجام حرفه‌های مختلف ۴- جستجوی دانش جدید) در زمینه نگرش ۷ تم اصلی (۱-مسئولیت پذیری، ۲- خودآگاهی، ۳- همدلی، ۴- همدردی، ۵- سعه صدر، ۶- ارج گذاری مفاخر ۷- کنترل فشارهای روحی) و در زمینه توانش ۱۱ تم اصلی (۱- مهارت‌های ارتباط انسانی، ۲- توانایی حل مساله، ۳- توانایی تصمیم گیری، ۴- مهارت‌های اجتماعی، ۵- یادگیری نحوه یادگیری، ۶- رعایت بهداشت فردی و اجتماعی، ۷- استفاده از فناوری اطلاعات، ۸- شهروند جهانی شدن، ۹-

خودارزشیابی، ۱۰- نظم و انضباط فردی و اجتماعی، ۱۱- برنامه ریزی) به دست آمد. بخش‌های از نتایج این بخش از پژوهش با پژوهش‌های ادیب (۱۳۸۹)، بندک (۱۳۹۳) و احدی و همکاران (۱۳۹۱) همسو است. آنها نیز در پژوهش‌های خود مقوله‌های برای مهارت‌های زندگی را شناسایی که تعدادی از آنها با نتایج پژوهش به دست آمده مشترک است. دلیل همسویی بدین علت است که معمولاً مهارت‌های زندگی در جامعه ایران تا حدودی مشخص هستند هر چند که در برخی از اسناد بالا دستی و منابع جدیدتر متناسب با تغییر و تحولاتی که در عرصه زندگی اتفاق افتاده مهارت‌های جدیدی به حوزه مهارت‌های زندگی اضافه شد اما بعضاً به شکلی کلی تفاوتی در مهارت‌های به دست آمده در پژوهش حاضر و سایر پژوهش‌های مشابه دیده نمی‌شود.

در خصوص سوال دوم پژوهش مبنی بر وضعیت موجود مهارت‌های زندگی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان، نتایج به دست آمده حاکی از آن است که وضعیت موجود مهارت‌های زندگی در مقطع ابتدایی مناسب نیست. بر اساس اطلاعات به دست آمده، در حیطه دانش، نگرش و توانش در وضعیت موجود، مقدار t مشاهده شده کوچکتر از مقدار t بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد و با درجه آزادی ۹۹ می‌باشد. با آزمون انجام شده، H_0 رد می‌شود و در نتیجه میانگین جامعه در هر سه حیطه، دانش، نگرش و توانش پایین‌تر از $3/1$ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که وضعیت حاضر حیطه دانش، نگرش و توانش در مهارت‌های زندگی دوره ابتدایی از مطلوبیت برخوردار نیست. نتایج این بخش از پژوهش با نتایج پژوهش‌های بندک (۱۳۹۳) و روشنی (۱۳۹۵) همسو می‌باشد. آنها هم در پژوهش‌های خود به نتایج مشابه پژوهش حاضر دست یافتند. در تبیین و تفسیر این یافته می‌توان بیان داشت که متأسفانه در مدارس به شکل جدی به بحث آموزش مهارت‌های زندگی پرداخته نمی‌شود و بیشتر مسایل علمی و تاکید بر فرایندهای شناختی مدنظر است. هر چند در سال‌های اخیر و متناسب با اجرای اسناد بالا دستی از جمله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به بحث مهارت‌های جدید و آموزش فراگیران بر مبنای این مهارت‌ها اقدامات صورت گرفته و تا حدی وضعیت بهتر شده است اما آموزش و پرورش نیازمند توجه به شکل جدی‌تر است و در این راستا و با برنامه ریزی دقیق و دعوت از خبرگان، و برگزاری سمپوزیم‌ها، نشست‌ها و جلسات با حضور اولیا و مربیان نسبت به کیفی‌تر نمودن بحث مهارت‌های زندگی اقدام کند.

رسالت اصلی آموزش ابتدایی در عصر کنونی، آموزش و ارتقای مهارت‌های زندگی در فراگیران این دوره تحصیلی به عنوان نسل آینده ساز جامعه است. اگر قرار است فراگیران را به عنوان شهروند مطلوب در جامعه آینده آماده نماییم، می‌بایست آموزش مهارت‌های زندگی و آموزش برای بهزیستی را در اولویت کار خود قرار دهیم. این امر به کارکرد مطلوب هر دو جنبه آموزشی و پرورشی نیازمند است. زمینه‌ها و مقوله‌های شناسایی شده در پژوهش حاضر ناظر بر هر دو جنبه مذکور است. به منظور آموزش و ارتقای دانش، نگرش و مهارت فراگیران در راستای مهارت‌های زندگی، هر دو جنبه آموزش و پرورش لازم است در چارچوب رسالت‌هایی که برای دوره ابتدایی به تصویر کشیده شده است به طور مطلوب حرکت نمایند. جدایی ناخواسته آموزش و پرورش از هم و تفکیک فعالیت‌های

آموزشی و پرورشی و جدا دیدن فعالیت های آموزشی از فعالیت های پرورشی می تواند خسارت های جبران ناپذیری را برای نظام آموزشی ابتدایی به عنوان پایه به همراه داشته باشد.

با توجه به نقش با اهمیتی که برنامه درسی در ارایه آموزش مهارت های زندگی در دوره ابتدایی در قالب دانش، نگرش و مهارت ایفا می نماید، بازنگری در برنامه درسی به منظور متناسب نمودن آن با تحولات گسترده در علم و فناوری و همگام نمودن آن با پیشرفت های بشری، امری ضروری می نماید تا با نیازهای واقعی دانش آموزان و جامعه همسویی وجود داشته باشد. همچنین باید در تدوین و اجرای برنامه های درسی و فعالیت های آموزشی، به مهارت هایی از قبیل پرورش تفکر خلاق و نقاد، ارتقای روحیه جستجوگری و تقویت مهارت پژوهش و حل مساله که از مهارت های اساسی یادگیری مادام العمر هستند و در اسناد بالادستی نیز بر آنها تاکید شده است اهتمام ویژه ای داشت و به عنوان اهداف نوین آموزش ابتدایی مورد توجه قرار گیرند. البته تحقق همه این موضوعات و اثربخش بودن یک برنامه درسی در اجرا، نیازمند معلمان شایسته و کارآمد در این دوره می باشد. معلمان نقطه آغاز هر تحول در آموزش و پرورش هستند و بنابراین شناسایی، جذب، آموزش، و توانمندسازی آنان در برنامه های راهبردی آموزش و پرورش برای دوره ابتدایی، باید در اولویت فعالیت متولیان و دست اندرکاران آموزش و پرورش دوره ابتدایی قرار گیرد.

خلاصه اینکه، آموزش مهارت های زندگی امروز دیگر از حد یک شعار فراتر رفته و به عنوان یکی از اهداف اساسی مدارس مطرح می باشد. برنامه آموزش مهارت های زندگی در دوره ابتدایی بدلیل حساسیت سنی دانش آموزان دارای شرایط و ضوابط خاصی است و آموزش مهارت های زندگی در این دوره باید مسائل مختلفی را مورد توجه قرار داد. شرایط سنی، نیازهای موجود و توانایی های دانش آموزان در انجام فعالیت های یادگیری در این سنین باید مورد ارزیابی و بررسی قرار بگیرد و اساس برنامه مهارت های زندگی قرار گیرد.

منابع

- آقاجانی، مریم (۱۳۸۱). بررسی تاثیر آموزش مهارت های زندگی بر سلامت روان و منبع کنترل دانش آموزان دختر مقطع دبیرستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- ادیب، یوسف (۱۳۸۹). «الگوی بهینه برنامه درسی مهارت های زندگی برای دوره ابتدایی»، مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۶(۲): ۵-۳۶.
- احدی، محمود؛ مظاهری، حسن (۱۳۹۱). «اعتبار بخشی راهنمای برنامه درسی آموزش آداب و مهارت های زندگی»، فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۱۴(۱۱)، ۱۹۰-۱۶۵.

- بندک، موسی. (۱۳۹۳). طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش مهارت‌های زندگی در دوره ابتدایی، پایان نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- جوادی پور، محمد؛ عزیزی، پروین؛ و نوروززاده، رضا (۱۳۹۳). «میزان تحقق اهداف مهارت‌های زندگی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی»، پژوهش‌های آموزش و یادگیری، ۲۱(۴): ۱۲۸-۱۱۳.
- سبزواری، مریم؛ لیاقتدار، محمدجواد؛ و عابدی، احمد (۱۳۹۴). «مقایسه ابعاد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان ابتدایی مدارس غیردولتی بدون کیف و دولتی شهر اصفهان»، رویکردهای نوین آموزشی، ۱۰(۱): ۱۰۵-۱۲۰.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۹۷). *تعلیم و تربیت و مراحل آن*، انتشارات آستان قدس، به نشر.
- کاکوجویباری، علی اصغر؛ و سلسبیلی، نادر (۱۳۸۲). *سند و منشور اصلاح نظام آموزش و پرورش ایران*، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- لواسانی، فهیمه (۱۳۷۸). *مهارت‌های زندگی*، تهران: معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور.
- فرزام نیا، محمد (۱۳۸۱). *بررسی و شناسایی نقش عوامل درون سازمانی در کسب مهارت‌های زندگی*، گزارش تحقیق، شورای تحقیقات آموزش و پرورش.
- روشنی، طاهره (۱۳۹۵). *بررسی روانشناسی مدیریت نوین آموزشی «آموزش مهارت‌های زندگی» مدارس ابتدایی در جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، ۹۴-۸۸.
- نیک پرور، ریحانه (۱۳۹۴). *مهارت‌های زندگی، آشنایی با برنامه آموزش*، انتشارات معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور.
- نیازآذری، کیومرث، عمویی، فتانه، تقی مداح، محمد، بریمانی، ابوالقاسم (۱۳۸۹). «ارزیابی مهارت‌های زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری»، فصلنامه روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی تنکابن، سال اول، شماره ۳.
- Alberty R M, Kapp CA, Croenewald CJ. (2014). Patterns of empowerment in individualas through the course of a life skills program . *Journal of Studies the Education of Adults*, 2:20-780
- Billie, K; Hooper, D. R; Ginter, E. J. (2017). Life skills adolescents, and career choices. *Journal of Mental Health Coundeling*, 20(3) 272.282.
- Jennings, J. L., & Diprete, T. A. (2010). Teacher effects on social and behavioral skills in early elementary school. *Sociology of Education*, 83(2)135-159.
- Connelly, F.M. & lantz, O.C. (2009). *Definitions of curriculum*. International encyclopedia of curriculum.
- Gilak, M. (2016). Life skills training. *Journal of Peivand*, 25(318): 36-42.
- Miles, M. B., & Huberman, A. M. (2014). *Qualitative data analysis: An expanded sourcebook* (2nd Ed.). California: Sage publications.

- Goudas M, Dermitzaki I, leondari A, Danish S,(2016), The effectiveness of teaching a life skills program in a physical education context, *European Journal of Psychology of Education*,4:429-438.
- Orkin, Wendia. (2016). Improving student Life Skills. Through classroom intervention and intergration, ERICNO: Ed 432093.
- Schneider P, Zimman WF. (2018). Need assessment about life skill training programs in Germanian, *Journal school psycho*, 4:281-294
- .- Seevers, R., & Jones- Blank. M. (2008). The effects of social skills training on social skill development and on student behavior. *Education Journal*, 9. 1-19

